

فهرست

سر سخن

آسیب‌شناسی مقاله‌نویسی، چاپ، تجدید چاپ، نشر و توزیع کتاب (۲۵)..... ۳-۴

جستار

حکم آستانه شیخ ابواسحاق کازرونی (۸۲۶ق) / عمادالدین شیخ‌الحکامی ۵-۹

کریم خراسان کیست؟ / سید علی میرافضلی ۱۰-۱۱

زندگی‌نامه منظوم عبدالقادر مراغی به قلم خودش؛ معرفی یک سند، همراه با یادداشتی مقدماتی /

علی فردوسی ۱۲-۱۷

گزارش برگدال از کشف و استرداد نسخه‌های خطی مسروقه کتابخانه سلطنتی / محمدصادق

میرزا ابوالقاسمی ۱۸-۲۲

کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده کاغذ ابری / علی صفری آق‌قلعه ۲۳-۳۶

حذف حرف عطف و یکی از ساخت‌های نامأنوس دستوری در شعر کهن / مسعود راستی‌پور ۳۷-۴۱

شاهنامه فردوسی در بافت عصر غزنوی / آ.سی.اس. بیگاک؛ ترجمه: حمیدرضا حکیمی ۴۲-۵۶

فارسی یهودی کهن در میانه فارسی میانه و فارسی دری کهن؛ بازآزمایی یک فرضیه مشهور / لودویگ پاول؛

ترجمه: ستایش دشتی ۵۷-۶۳

کاتب نسبت خرقه شاه‌نعمت‌الله ولی در المشیخه‌خاندان حثوثی یزدی / محمدرضا ابوبی مهریزی ۶۴-۶۸

برگی از تاریخ (۲)؛ معرفی نامه‌ای از حسنعلی خان گروسی (امیرنظام) / محمدجواد جدی ۶۹-۷۱

پرده ماده یا پرده یاده؟ / یاسر دالوند ۷۲-۷۳

ثبت کتیبه‌های حکومتی فرهادمیرزا معتمدالدوله در ولایت کردستان / جواد ددهجانی ۷۴-۷۹

تیتی و میتی / ایمان منسوب بصری، حسن زیاری ۸۰

چهارپاره / علی صفری آق‌قلعه ۸۱-۹۴

طاق گز؛ جای‌نامی در خسرو و شیرین نظامی / علی کریم‌زاده ۹۵-۹۶

نقد و بررسی

بررسی انتقادی تصحیح کفایة الطب حبیبش تغلیسی / عرفان‌جوینة بهروز ۹۷-۱۱۷

چند انتقاد واجب از فصل دوم کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ۱۱۸-۱۲۲

باز چاپ پرتوستان یا مصداقی برای خورشید به گل اندودن / محمدابراهیم ایرج‌پور ۱۲۳-۱۳۳

نگاهی دوباره به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زیده‌الافکار (بخش شیراز و نواحی آن) / مرتضی موسوی ۱۳۴-۱۴۱

ملاحظات در فهارس جدید کتابخانه ملی ایران / مصطفی درابنی ۱۴۲-۱۵۳

توضیحاتی درباره دیوان منوچهری به تصحیح سعید شیری و بازنگری در تصحیح برخی ابیات

منوچهری / راهبه آبدان ۱۵۴-۱۶۶

چاپی نه در خور متن از متنی نه در خور چاپ! / علی شاپوران ۱۶۷-۱۷۴

از کشفیات در اشعار کسایی تا سرقات از یافته‌های ریاحی! / محسن شریفی‌ضحی ۱۷۵-۱۸۰

تکمله‌ای بر مقاله «کهن‌ترین مکتوب تاریخ‌دار فارسی» / سلمان ساکت ۱۸۱-۱۸۲

تصحیح و بازخوانی عباراتی از جواهرنامه نظامی / اکبر حیدریان ۱۸۳-۱۸۶

فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه و مرکز اطلاعات آکادمی علوم مجارستان / مزده محمدی ۱۸۷-۱۹۰

پژوهش‌هایی در باب تحقیق

ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۳) / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ۱۹۱-۱۹۸

ایران در متون و منابع عثمانی (۱۷)

زندگی و آثار خورشیدپاشا / نصرالله صالحی ۱۹۹-۲۰۱

درباره نوشته‌های شمشین

درباره «ولادت خواجه به روایت خواجه» / لیلی وهرام ۲۰۲-۲۰۷



۷۸ - ۷۹

فصلنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی دوره سوم، سال دوم، شماره یکم و دوم بهار - تابستان ۱۳۹۶ [انتشار: زمستان ۱۳۹۷]

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ

نقره‌آبی

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
gozresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۱۵۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: انجامه دستنویسی از ترجیع‌بند جامی (نسخه W651 موزه هنری والترز، نستعلیق ممتاز محمدزمان التبریزی، مورخ ۹۹۸ هجری)

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

به هنرهایی جز نسخه‌پردازی نیز وارد شد. برای نمونه ستون‌های برخی از کاخ‌های قدیمی اروپایی با شیوه‌ای از رنگ‌آمیزی ابری آرایش شده است. این هنر امروزه در مواردی چون رنگ‌آمیزی چرم و چوب هم کمابیش رواج دارد.

کاغذ ابری در قرون پیشین چندان مورد توجه بود که بعدها با پیشرفت صنعت چاپ در اروپا، نمونه‌های چاپی این کاغذها تولید شد و در آستر جلد بسیاری از کتاب‌های چاپی به کار رفت.^۲ تولید کاغذ ابری در ایران از دوره قاجار کاهش یافت و در اواخر این دوره تقریباً منسوخ شد، اما رواج آن در سرزمین عثمانی تداوم داشت و امروزه نیز در کشور ترکیه به‌عنوان یکی از هنرهای دستی مورد توجه است و در آن کشور «ایرو» (ebru) خوانده می‌شود.

چون تولید کاغذ ابری دشوار بود و شگردهای ویژه‌ای داشت، مانند بسیاری از فنون، نخستین مبدعان این هنر سعی در پنهان کردن شیوه کار خود داشته‌اند و به همین علت امروزه آگاهی دقیقی از تاریخچه و شیوه تولید نخستین نمونه‌های ابری نداریم. بنابراین بررسی کاغذهای رنگی (از جمله ابری) و تاریخچه ساخت و کاربرد آنها، امروز به شاخه‌ای از دانش نسخه‌شناسی بدل شده است.

مختصری از تاریخچه ابری^۳

کهن‌ترین اشاره شناخته‌شده در متون درباره مبدع کاغذ ابری عبارت زیر از رساله قواعد خطوط است:

خواجه عبدالله، خوشنویس و منشی اعلا بوده؛ افشان غبار و رنگ‌آمیزی ابری^۴ کاغذ از اختراع اوست. (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۳۱۱)

چون نویسنده قوانین الخطوط، محمودبن محمد، به دیدارش با محمد مؤمن مشهور به خواجگی مروارید^۵ در سال ۹۵۳ق به‌عنوان رویدادی در گذشته اشاره کرده، قاعدتاً باید

۲. گمان می‌رود که اروپائیان از طریق مراوده با امپراطوری عثمانی به کاغذ ابری و تولید آن علاقه‌مند شده‌اند.

۳. برای تاریخچه و شیوه ساخت ابری نک. پورتر، ۱۳۸۰: همو، ۱۳۸۹: ۶۶-۶۹؛ سمسار، ۱۳۷۴ و منابع آن؛ مایل هروی، ۱۳۷۲: ۷۳۸-۷۴۴.

۴. در احوال و آثار خوشنویسان به‌صورت «رنگ‌آمیزی ابری» ضبط شده است (بیانی، ۱۳۶۳: ۳۵۲).

۵. فرزند عبدالله مروارید بود که بعدها معلمی سام میرزا صفوی (۹۲۳-۹۸۳ق) را بر عهده گرفت و به منصب صدارت وی نیز رسید و مدتی نیز به شاه‌طهماسب پیوست و سرانجام در سال ۹۴۸ق درگذشت (بیانی، ۱۳۶۳: ۸۴۲-۸۴۵).

به یاد استاد محمدتقی دانش‌پژوه

کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده کاغذ ابری

علی صفری آق‌قلعه

alisafari_m@yahoo.com

با امکانات پیشرفته امروزمین شاید تصوّرش آسان نباشد که رنگ‌آمیزی کاغذ در گذشته چقدر دشوار بوده است. تولید رنگ‌ها از مواد معدنی و گیاهی مشکلات فنی ویژه‌ای داشت و در کنار این مشکلات، ظرافت و آسیب‌پذیری کاغذ موجب می‌شد تا رنگ‌آمیزی دشوارتر شود. تولید کاغذهای رنگی تک‌رنگ (اصطلاحاً: کاغذ الوان) آسان‌تر بود، و لذا ساخت آنها زودتر آغاز شد و نسبتاً هم کاربردش بیشتر بود، اما تولید نمونه‌های چندرنگ - که عمده آنها از گونه کاغذهای ابری هستند - دشوارتر بود و لذا دیرتر رواج یافت و کاربردش معمولاً کم‌تر بود.

کاربرد کاغذ ابری در سرزمین‌های اسلامی پس از سده دهم هجری در سه امپراطوری بزرگ ایران، هند و عثمانی برای آرایش نسخه‌ها آغاز شد و در آرایش نسخه‌های هنری رواج بسیاری یافت. ابری عمدتاً برای «متن و حاشیه» کردن نسخه‌ها، آرایش صفحات مرقع‌ها و تهیه آستر و بدرقه جلدها به کار می‌رفت. گاهی نیز از آن برای نگارش قطعات خوشنویسی استفاده می‌شد (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۲۴۰-۲۴۳). کاربرد ابری در سرزمین عثمانی از سده یازدهم هجری برای پوشش ابره و آستر جلد رواج بسیاری یافت و نمونه‌های بسیاری از آن در کتابخانه‌ها - به ویژه در ترکیه - موجود است.

کاربرد ابری بعدها در نقاط دیگر جهان نیز گسترش یافت و

1. marbled paper.

قوانین الخطوط را در نیمه دوم سده دهم نوشته باشد^۱ که نسبت به روزگار خواجه عبدالله نسبتاً نزدیک و قابل توجه است. برخی از پژوهشگران با توجه به این سند، ابداع ابری را به خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید (۸۶۵-۹۳۲ق) منتسب کرده‌اند (بیانی، ۱۳۶۳: ۳۵۲؛ دانش‌پژوه، ۱۳۵۶: ۲۱؛ سمسار، ۱۳۷۴: ۵۷۳). دانش‌پژوه در نوشته خود به مأخذ نوشته‌اش اشاره نکرده است و منابعی که در زیر عبارت آورده مراجع ترجمه مروارید است. پورتر با بررسی منابع مورد اشاره دانش‌پژوه اشاره کرده که این نقل قول در هیچ کدام از آنها یافته نمی‌شود و لذا ساخت ابری را تقریباً یک قرن بعدتر دانسته است (پورتر، ۱۳۸۹: ۶۷). با این حال گمان می‌رود مأخذ دانش‌پژوه نوشته بیانی بوده که به رساله قواعد خطوط ارجاع داده و این همان رساله‌ای است که مایل هروی با نام قوانین الخطوط چاپ کرده است.

با اینکه «خواجه عبدالله» مورد اشاره در آن رساله شاید لزوماً عبدالله مروارید نباشد، اما اشاره صاحب قواعد خطوط به دیدارش با محمد مؤمن مروارید می‌تواند مؤید یکی دانستن خواجه عبدالله با شهاب‌الدین عبدالله مروارید باشد. هنوز نمونه‌ای از ابری‌های ساخته خواجه عبدالله شناسایی نشده، و لذا اکنون نمی‌دانیم که ساختار آنها چگونه بوده است. فقط شاید با توجه به برخی ساخته‌های آغاز سده دهم بتوان حدس‌هایی زد. برای نمونه در یک جنگ بیاضی (به شماره دستیابی 1997.71 در موزه متروپولیتن) صفحه‌ای هست که طرحی ابری‌وار دارد (نک. تصویر ۱). این نسخه در سال ۹۰۵ق به نستعلیق خوش سلطان محمد نور (بیانی، ۱۳۶۳: ۲۷۲-۲۸۰) نگاشته شده و تاریخ رنگ‌آمیزی کاغذ نیز باید در همین حدود باشد.

می‌توان احتمال داد که آنچه به‌عنوان «ابر کاغذ» در قوانین الخطوط یاد شده چیزی شبیه به این نمونه بوده است. با اینکه این شیوه رواج چندانی نداشته اما از برخی نمونه‌های مشابه می‌توان دانست که دست‌کم تانیمه سده دهم رواج داشته و شاید پیش از سده دهم نیز کاربرد داشته است. برای نمونه، در یکی از صفحات یک مجموعه اشعار (نسخه ۶۹۸ کتابخانه حالت‌افندی،

مورخ ۹۵۰ق، به نستعلیق خوش مرشد و امیر شیخ کاتب) از همین نوع کاغذ رنگ‌آمیزی شده استفاده شده است (نک. تصویر ۲).

البته باید توجه داشت که این تنها یک احتمال است، زیرا دو نمونه‌ای که دیدیم، اگرچه ساختار ابری‌وار دارند، اما در واقع کاغذهایی الوان هستند که به رنگ بریده بریده تیره‌تری رنگ‌آمیزی شده‌اند؛ در حالی که در ابری‌های متعارف، معمولاً همه سطح صفحه دست‌کم با دو رنگ متغایر پوشیده شده است. بنابراین، اگر ابری‌های عبدالله مروارید همانند دو نمونه یادشده باشد، بهتر است آن را گونه ابتدایی ابری به‌شمار آوریم و بررسی ابری را با توجه به نمونه‌های متعارف شناخته‌شده پیش ببریم. چنانکه در دنباله مقاله خواهیم دید، کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از ابری‌های متعارف مربوط به نیمه سده دهم هستند و ابداع این شیوه نیز احتمالاً در همان دوره بوده است.

گویا ابری‌سازی در ادوار پیشین به‌عنوان یک پیشه مستقل شناخته نمی‌شد و لذا افرادی که به این کار می‌پرداختند، برخلاف «مذهبان» و «مجلدان» و حتی «جدول‌کش»ان، دارای نسبت پیشه‌ای ویژه‌ای نبودند. حتی اشارات متون هم به این افراد اندک است. جز یک موردی که در متن چاپی گلستان هنر در ذیل یادکرد «محمد امین جدول‌کش» آمده (قمی، ۱۳۵۹: ۱۴۸) و یک مورد دیگر، یعنی «یحیی قزوینی»، که در متن چاپی سهیلی خوانساری نیست و دانش‌پژوه و پورتر از نسخه اصل مؤلف (شماره ۵۹۸ کتابخانه سالار جنگ) در مقالات خود از آن یاد کرده‌اند (دانش‌پژوه، ۱۳۵۲: ۵۸؛ همو، ۱۳۵۶: ۲۲؛ پورتر، ۱۳۸۰: ۶۸)²، تنها اشاره متنی‌ای که نویسنده این سطور در این زمینه یافته، نوشته کتابدار شاه‌عباس صفوی، صادقی بیگ افشار (سده ۱۰ و ۱۱ق)، درباره یکی از معاصرانش، «مولانا تذهیبی»، در تذکره مجمع‌الخواص است:

مولانا تذهیبی: از اصفهان است. شخصی است در ویش‌نهاد و مصاحب و شوخ‌طبع. در کار تذهیب و جدول‌کشی و افشان و کاغذ الوان و ابری‌سازی مهارت دارد. موقعی که حقیر به اصفهان رفتم، به مناسبت همکاری، ملاقات واقع شد... (صادقی کتابدار، ۱۳۲۷: ۲۳۹-۲۴۰)

۲. پورتر به ترجمه مبهم مینورسکی که مأخوذ از یادکرد همین شخص در نسخه مسکو بود اشاره کرده است.

۱. بیانی بدون اشاره به هیچ سند یا قرینه‌ای تاریخ نگارش این اثر را «حدود سال ۹۶۹» یاد کرده است (بیانی، ۱۳۶۳: ۴۵).

آن تولید شده است.

قاعداً چنین مواردی بیشتر در «قطعات خوشنویسی» و «کتابت‌ها» دیده می‌شود. در قطعات خوشنویسی تاریخ‌دار همه چیز روشن است، اما در این میان نباید کتابت‌ها را نادیده گرفت. روشن است که اگر در میان صفحات نسخه‌ای به قلم یک کاتب، تعدادی صفحه ابری موجود باشد، تاریخ کتابت نسخه در واقع تاریخ کتابت آن صفحات هم خواهد بود.

البته باید توجه داشت که تاریخ تولید ابری در اینگونه نمونه‌ها ممکن است چند ماه یا حتی چند سال پیش از تاریخ کتابت باشد، زیرا ممکن است مثلاً کاغذ ابری در هند تولید شده و تا رسیدن به دست کاتبان و خوشنویسان ایران چند ماه یا چند سال سپری شده باشد. با این حال گمان می‌رود که فاصله تولید کاغذ ابری و تاریخ نگارش بر آن نباید چندان دراز باشد و به همین علت نمونه‌های تاریخ‌دار را می‌توان به‌عنوان پایه قابل اطمینانی در پژوهش‌ها پذیرفت.

پیشتر برخی پژوهشگران به گزارش برخی از کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده پرداخته‌اند. برای نمونه پورتر، به نقل از ریشار، به قطعه خطی از خواجه اختیار منشی اشاره کرده که تاریخ ۹۷۰ ق دارد. همچنین پورتر گزارش‌هایی از صفحات ابری در یک نسخه از دیوان انوری مورخ ۹۶۷ ق (محفوظ در لاهور) و صفحاتی از دیوان محمدقلی قطبشاه مربوط به سده دهم را ارائه کرده است (همان: ۶۸).

همچنین دروش نسخه‌ای مورخ ۹۸۸ ق نوشته در بیجاپور را شناسانده و تصویرش را منتشر کرده است (دروش، ۱۳۹۵: ۱۶۱، ۷۰).

سه‌کی نیز گزارشی آورده از قطعه خوشنویسی‌ای به قلم مالک دیلمی که در اختیار اوگور درمان می‌باشد و تاریخ کتابت آن ۹۶۲ ق است. اگر این گزارش درست باشد، قطعه یادشده کهن‌ترین نمونه با تاریخ صریح خواهد بود.

هم سه‌کی تصحیح تازه‌ای از دیباجه قطب‌الدین محمد قصبه‌خوان بر مرقع شاه‌طهماسب بر اساس رونویسی مورخ ۹۶۴ ق به خط شاه‌محمود نیشابوری (مرقع ۶۰۲۲ کتابخانه و موزه ملی ملک) ارائه کرده و در مقدمه اشاره کرده که اوراق ۱۵، ۱۶، ۱۹ و ۲۰ نسخه بر روی کاغذ ابری است (سه‌کی، ۱۳۹۰: ۴۲). وی تصویر ابری برگ ۲۰ را نیز در مقاله‌اش چاپ کرده است

همچنین با توجه به نامه‌ای که «ملا خلیل وقاری» از اردبیل نزد «میرمحمدطاهر»، به‌عنوان واضع ابری در هند، فرستاده و از وی راهنمایی خواسته است (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۷۴۲-۷۴۴) و نامه مشابه دیگری که «محمدیحیی قزوینی» نزد همان محمدطاهر فرستاده (ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۰: ۳۱-۳۴) باید نام این سه تن را نیز به‌عنوان سازندگان ابری به نام‌های بالا افزود. این محمدیحیی قزوینی شاید همان یحیی قزوینی باشد که یادکردش در بخش افتاده از متن چاپی گلستان هنر بوده و لذا باید از معاصران قاضی‌احمد قمی (سده ۱۰ و ۱۱ق) باشد. از برخی شواهد پیش‌گفته می‌توان چنین دریافت که ابری‌سازی یکی از کارهای مذهبیان، افشان‌گران، جدول‌کشان یا رنگ‌آمیزان کاغذ بوده و نسبت به فنونی چون تذهیب، جنبه فرعی داشته است. شواهدی چون نامه ملا خلیل وقاری نشان می‌دهد که پس از انتشار نخستین نمونه‌های ابری، این ساخته‌ها با اقبال بسیاری روبرو شده و به همین علت دیگران نیز برای ساختن نمونه‌های مشابه اقدام کرده و هرکدام برای خود شیوه‌ای در پیش گرفته‌اند. به همین علت تفاوت‌هایی میان ابری‌ها دیده می‌شود.

گزارش‌های پیشین از اقدم نمونه‌های موجود کاغذ ابری

چون منابع تاریخی و متون کهن درباره تاریخچه و شیوه تولید کاغذ ابری اطلاعات کافی و قانع‌کننده‌ای به دست نمی‌دهند، اکنون پژوهش‌های متنی برای پیش‌برد پژوهش‌ها در این زمینه راه‌گشا نیستند. ممکن است در آینده متون و اسناد سودمندی به دست آید، اما تا آن زمان شاید بهترین شیوه پژوهش در این زمینه پژوهش‌های نسخه‌شناسانه و به عبارتی بررسی خود نمونه‌ها باشد.

البته در این زمینه هنوز مشکلاتی وجود دارد. برای نمونه تاریخ تولید کاغذهای ابری در بسیاری موارد قابل بررسی و اثبات نیست. مثلاً ممکن است یک نسخه در سده نهم نوشته شده و در سده یازدهم با کاغذ ابری متن و حاشیه شده باشد. در چنین مواردی نمی‌توان تاریخ کتابت نسخه را به‌عنوان تاریخ تولید کاغذ ابری پذیرفت. بنابراین فقط در مواردی که نوشته‌ای تاریخ‌دار بر روی کاغذی ابری وجود داشته باشد می‌توان مطمئن شد که آن کاغذ ابری در همان تاریخ یا اندکی پیش از

همان: ۵۲). از بررسی چاپ عکسی این مرقع که چندی پیش منتشر شد چنین دانسته می‌شود که برگ‌های ۱۵ و ۱۹ ابری نیستند، بلکه کاغذهای الوانی هستند که گویا رنگ آنها یکدست نبوده است. وانگهی اگر این دو برگ را ابری بدانیم، ناگزیر باید برگ‌های ۱، ۳، ۴، ۵، ۷، ۹، ۱۱ و ۱۳ را نیز ابری بدانیم که چنین نیست و نمونه‌های اینگونه کاغذ الوان نایکدست در آن دوره باز هم دیده می‌شود.^۱ بنابراین فقط دو برگ ۱۶ و ۲۰ مرقع از کاغذ ابری است (قطب‌الدین محمد قصه‌خوان، ۱۳۹۴: ۱۶، ۲۰). چون شیوه ابری این نسخه در دنباله مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت، تصویر برگ ۲۰ را در این مقاله می‌آوریم (نک. تصویر ۳).

آقدم کتابت‌های تاریخ‌دار

آنچه یاد شد گزارش‌هایی از کهن‌ترین ابری‌های تاریخ‌دار بود. اما در سال‌های اخیر تصویر چند نمونه دیگر به دست نویسندگان این سطور رسیده که در منابع محل رجوع او شناسانده نشده است.

دو نمونه نخست مربوط به دو نسخه و به عبارتی دو «کتابت» (نه قطعه‌نویسی) بر روی ابری هستند و به همین علت از دید دور مانده‌اند و احتمالاً نخستین بار در همین مقاله شناسانده می‌شوند. نخستین مورد مربوط به دستنویسی از خلاصهٔ خمس (نسخه ۱۹۵۷ کتابخانه لاله‌لی، مورخ ۹۸۰ق به نستعلیق خوش محسن عمادالحسینی)^۲ است. در میانهٔ نسخه دو صفحه (۴پ، ۸پ) بر روی کاغذ ابری نوشته شده است که نخستین مورد را در اینجا می‌آوریم (تصویر ۴).

آنچه در این نمونه جلب توجه می‌کند شباهت بسیارش با طرح و رنگ ابری دیباجه قطب‌الدین محمد (نسخه ملک) است. در هر دو نمونه، زمینه روشن ابری با نوعی رنگ نخودی (یا کرمی) پوشیده شده و رنگ تیره ابری، نوعی خاکستری با طیفی

از آبی تیره است. این رنگ خاکستری در بسیاری از نمونه‌هایی که خواهیم دید فیلی رنگ (پیل‌گون)^۳ است. ظاهراً ابری نخودی-پیلگون رواج بسیاری داشته است، چنانکه سه‌کی نیز در مقدمه مقاله‌اش دربارهٔ شباهت نسخه ملک با نمونه‌ای به خط مالک دیلمی چنین نوشته است:

در کتاب صنعت کاغذ ابری ترکیه، عکس قطعه خوشنویسی مالک دیلمی هست که در سال ۹۶۲ق بر روی کاغذ ابری نوشته شده است. در این کاغذ ابری، مانند کاغذ ابری دیباجه کتابخانه ملک، شکل ابرها به رنگ سیاه یا سرمه‌ای رنگ‌آمیزی شده و از شباهت اشکال ابر پیدا است که غلظت محلول نشاسته که در طشت ابری‌کاری پر شده بود مانند هم بوده است.

به عبارتی وی شباهت‌هایی میان رنگ و طرح ابری در آن دو نمونه دیده است. چنانکه خواهیم دید، عمده نمونه‌های کهن شناخته‌شده ابری از همین گونه هستند؛ و لذا می‌توان نتیجه گرفت که این گونه، از رایج‌ترین نمونه‌های ابری در حدود نیمه سده دهم بوده است. صرف‌نظر از اینکه طیف رنگ‌ها در نمونه‌ها متغیر است، ما این نمونه‌ها را «نخودی-پیلگون» خواهیم خواند.

دومین مورد تازه‌یابی که به شناسایی آن خواهیم پرداخت، احتمالاً جزو کهن‌ترین نمونه‌های کاربرد کاغذ ابری در «کتابت» سرزمین عثمانی است و در یکی از صفحات دستنویسی از بوستان سعدی (نسخه ۳۶۹۰ کتابخانه نورعثمانیه، مورخ ۹۸۶ق به نستعلیق رجب‌بن خیرالدین الاستانبولی)^۴ دیده می‌شود. با اینکه این نسخه متن و حاشیه شده اما صفحه مورد نظر به صورت یکپارچه از همان کاغذ ابری تشکیل شده است (تصویر ۵). چنانکه می‌بینیم زمینه این نمونه هم کرم‌رنگ است و بخشی از ابری نیز طیف روشنی از آبی دارد؛ البته یک رنگ آجری نیز بدان افزوده شده که در برخی از نمونه‌های کهن ایرانی دیده می‌شود.

۳. نام فیلی‌رنگ که امروز رایج است به احتمال بسیار همان است که در گذشته «پیل‌گون» گفته می‌شده است. در برخی فرهنگ‌های کهن عربی به فارسی نیز واژه «پیل‌گون» در برابر «ادکن» آمده که به معنی خاکستری‌رنگ است. برای نمونه در الاسمی فی الاسماء آمده است: «حزّ ادکن: پیل‌گون» (میدانی، ۱۳۷۷: ۲۲۵). جالب توجه اینکه فرّخی سیستانی در یکی از شعرهایش به «پیلگون ابر» چنین اشاره کرده است: برآمد پیلگون ابری ز روی نیلگون دریا / چورای عاشقان گردان چو طبع بی‌دلان شیدا (فرّخی سیستانی، ۱۳۸۰: ۱).
۴. تاجایی که جست‌وجو کردیم بیانی به این شخص اشاره‌ای ندارد.

۱. مانند نسخه ۱۹۵۷ کتابخانه لاله‌لی که در مقاله بدان خواهیم پرداخت.
۲. استاد بیانی نسخه‌ای از تذکره الشعراء دولت‌شاه سمرقندی داشته‌اند که کاتب آن «محسن بن لطف‌الله معاد الحسینی السبزواری» نام دارد. ایشان ترجمه وی را در ذیل «محسن بن لطف‌الله سبزواری» یاد کرده و به قرینهٔ انجامه منظومی که نگاشته است، از کاتبان و شاعران گم‌نام قرن دهم و یازدهم دانسته‌اند (بیانی، ۱۳۶۳: ۶۲۰). احتمالاً این فرد با شخص مورد نظر ما یکی است. جز نمونه‌های یادشده توسط بیانی، یک مجموعه از منظومه‌های عبدالله هانفی (به نشانی Barb or 104 در کتابخانه واتیکان، مورخ ۹۶۷ق) به خط محسن بن لطف‌الله معاد الحسینی السبزواری موجود است.

اقدام قطعات تاریخ‌دار

دو نمونه پیش‌گفته مربوط به کتابت بر ابری هستند، اما نمونه‌هایی که در دنباله خواهیم دید مربوط به قطعات خوشنویسی تاریخ‌دار است.

یکی از خوشنویسانی که به کتابت قطعه بر روی کاغذ ابری علاقه‌مند بود، معزالدین محمد الحسینی است. وی از خوشنویسان چیره‌دست سده دهم هجری است و دکتر مهدی بیانی شرح حال و گزارش شماری از آثار او را در احوال و آثار خوشنویسان درج کرده است (بیانی، ۱۳۶۳: ۸۱۸-۸۲۳).^۱ از او یک قطعه خط در یک مرقع (به نشانی Or.Ms 373 در کتابخانه دانشگاه ادینبرو) موجود است که در سال ۹۷۲ق نوشته شده است. می‌بینیم که این قطعه نیز از همان گونه «نخودی-پیلگون» است (تصویر ۶).

دو قطعه خط دیگر بر روی کاغذ ابری از معزالدین محمد الحسینی مورخ ۹۸۷ و ۹۸۸ق در یک مرقع دیگر (به نشانی SUPPL.PERSAN 1171 در کتابخانه ملی پاریس، گ ۶، پ ۵۰) موجود است که یکی از آنها را در اینجا می‌بینیم (تصویر ۷).^۲ چنانکه دیده می‌شود رنگ‌های اصلی این ابری نیز گونه‌ای از نخودی-پیلگون است.

قطعات بی تاریخ دارای قرینه تاریخی

آنچه تا کنون شناسانندیم شامل کتابت‌ها و قطعه‌هایی با تاریخ کتابت مشخص بود. اما نمونه‌های دیگری می‌شناسیم که اگرچه تاریخ‌دار نیستند اما با توجه به دوره زندگی نویسندگانشان می‌توان محدوده کتابت آنها را تخمین زد. برای نمونه قطعه

۱. یکی از قطعات خط او مورخ ۹۸۵ق در مجموعه شخصی دکتر مهدی بیانی بوده که تصویر آن در آغاز جلد چهارم احوال و آثار خوشنویسان (بیانی، ۱۳۶۳: ۴/ شکل ۴۵) و نیز در اطلس خط چاپ شده است (فضائی، ۱۳۵۰: ۴۹۵). نیز یک قطعه خط قطعی شده بی تاریخ از او در مجموعه ناصر خلیلی موجود است که تصویرش در هنر قلم چاپ شده است (صفوت، ۱۳۷۹: ۱۹۶). در آنجا مشخصات نسخه‌ای از گوی و چوگان عارفی مورخ ۹۷۱ق و اثری دیگر مورخ ۹۸۴ق به خط وی درج شده است (همان: ۱۹۵). همچنین قطعه‌ای دیگر به خط وی مورخ ۹۷۵ق در یک مرقع (به نشانی Smith-Lesouéf Orient 247 در کتابخانه ملی پاریس) موجود است.

۲. این قطعه پیشتر در کتاب نسخه‌شناخت چاپ شده است (صفری آق‌قلعه ۱۳۹۰: ۴۸۴). بار دیگر همین قطعه در چاپ عکسی کل مرقع منتشر شده است (نصیریباغان، ۱۳۹۴: ۱۰۰). در مقدمه ضعیف این چاپ به اهمیت قطعات نوشته‌شده روی کاغذ ابری اشارتی نشده و فقط به یک ابری در حاشیه اشاره شده است (همان: هفت). در همین مرقع مورد گفت‌وگو یک قطعه خط دیگر از معزالدین مورخ ۹۸۱ق بر روی کاغذ عکاسی شده موجود است (نصیریباغان، ۱۳۹۴: ۸۴).

خطی بی تاریخ با رقم «العبد المذنب شاه محمود غفر الله ذنوبه» در مجموعه ناصر خلیلی موجود است که تصویرش در کتاب هنر قلم چاپ شده است (صفوت، ۱۳۷۹: ۱۳۲). چنانکه اشاره شد مرقع کتابخانه ملک نیز به قلم شاه محمود است. قطعه مجموعه خلیلی نیز قاعدتاً از شاه محمود نیشابوری است و لذا پیش از درگذشت او به سال ۹۷۲ق نوشته شده و تاریخ ساخت ابری نیز پیش از این دوره خواهد بود.

از دیگر نمونه‌های بی تاریخ می‌توان به قطعه خطی در مرقع جهانگیر (به نشانی Libri picturati A 117 کتابخانه دولتی برلین) با رقم «علی الکاتب السلطانی» اشاره کرد (تصویر ۸). قطعه فاقد تاریخ است، اما اگر قطعاً از آثار میرعلی هروی باشد، با توجه به اینکه در گذشت وی در حدود سال ۹۵۱ق بوده (بیانی، ۱۳۶۳: ۵۰۰)، این قطعه پیش از سال ۹۵۱ق نوشته شده و لذا از کهن‌ترین نمونه‌های ابری به شمار می‌آید. نیز، چنانکه بیانی اشاره کرده، در هنگامی که میرعلی در خدمت سلطان حسین میرزا بایقرا (د ۹۱۱ق) به سر می‌برد، نسبت «السلطانی» و «کاتب السلطانی» را یافته است؛ اگرچه شواهد نشان می‌دهد که میرعلی این نسبت را بعدها نیز در رقم‌هایش به کار برده است^۳ و لذا تاریخ کتابت قطعه نباید لزوماً پیش از ۹۱۱ق باشد. می‌بینیم که این قطعه نیز نخودی-پیلگون است.

از نمونه‌های دیگر می‌توان به قطعه خطی در یک مرقع خط نقاشی اشاره کرد.^۴ مرقع حاوی این قطعه (به نشانی MS. Douce

۳. مرقعی ممتاز به شماره ۱۳۳۶۱ در کتابخانه مجلس هست که فرزند میرعلی هروی، یعنی محمدباقر بن علی الحسینی کاتب (زنده در ۹۸۷ق)، برای همایون پادشاه تیموری هند (۹۳۷-۹۶۲ق) از آثار خوشنویسی پدرش فراهم آورده و مقدمه‌ای بر آن نگاشته است (در باره محمدباقر نک. بیانی، ۱۳۶۳: ۶۵۹-۶۶۱ که به همین مرقع، بی اشاره به جایگاه نگهداری آن، اشاره کرده است). در این مرقع قطعه‌ای هست که چنین رقم خورده است: «لکاتبه العبد الفقیر الحقیر المذنب میرعلی الحسینی الکاتب السلطانی غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه بدار الفخره البخارا حمیت عن الافات»؛ که می‌تواند نشانگر آن باشد که میرعلی پس از آنکه در سال ۹۳۵ق به بخارا کوچانده شد، همچنان «الکاتب السلطانی» رقم می‌زده است. در همان مرقع، کتابت دیگری با رقم «میرعلی الکاتب» هست که در سال ۹۴۴ق در بخارا کتابت شده است.

۴. اصالت این قطعه و قطعه پیش‌گفته با توجه به شیوه خط میرعلی هروی قابل پذیرش می‌نماید. البته افراد دیگری با نام و رقم‌های مشابه میرعلی می‌شناسیم که بعضاً هنرشان ستوده شده (برای نمونه نک. صادقی کتابدار، ۱۳۲۷: ۸۹) اما شخصی که آثارش چندان مهم باشد که مرقعاتی بدانها اختصاص دهند، باید هنرمندی در حد میرعلی هروی باشد. ضمن اینکه گردآوری مرقعاتی از خطوط میرعلی در سده دهم رواج داشته است. قاضی احمد گزارش داده که ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزای صفوی حدود نیمی از آثار وی را در مجموعه خود گردآوری کرده بوده است. نیز اشاره کرده که ابراهیم میرزا بخشی از این آثار را از ورثه میرعلی خریداری کرده بوده است (قمی، ۱۳۵۹: ۱۰۷) که می‌تواند نشانگر اصالت آثار محفوظ در مجموعه وی باشد.

قطعه مورد گفت‌وگو پیش از ۹۶۹ ق کتابت شده است. چنانکه پیداست ابری به کار رفته در این قطعه زمینه نخودی دارد و رنگ تیره آن طیفی روشن از آبی با طیفی روشن از آجری است. دومین قطعه نیز احتمالاً از آثار فرید کاتب شیرازی است (تصویر ۱۳؛ چاپ شده در نصیرباغبان، ۱۳۹۴: ۷۱) که در سده دهم فعالیت داشته و استاد بیانی آثاری با تاریخ ۹۵۰ و ۹۵۹ ق از وی یاد کرده است (بیانی، ۱۳۶۳: ۵۷۰). جز آن یک نسخه از دیوان حافظ شیرازی (به نشانی pers.074 در کتابخانه دولتی بایرن در مونیخ) مورخ ۹۴۱ ق به خط وی می‌شناسیم. با توجه به دوره زندگی وی، این قطعه نیز باید در حدود نیمه دوم سده دهم نوشته شده باشد.

نسخه‌های «متن و حاشیه» شده

یکی از مهم‌ترین موارد کاربرد ابری در متن و حاشیه کردن نسخه‌ها و به عبارتی استفاده در حاشیه دستنویس‌ها و مرقعات بوده است. چنانکه اشاره شد، ممکن است متن و حاشیه کردن یک نسخه مدّت‌ها پس از کتابت آن صورت گرفته باشد و لذا در بیشتر موارد نمی‌توان از تاریخ تولید یا کاربرد ابری مطمئن بود. با این حال در برخی موارد فرائنی برای اطمینان نسبی از معاصر بودن متن با حاشیه وجود دارد.

یکی از اینگونه نمونه‌ها دستنویسی از نصایح خواجه عبدالله انصاری به نظام‌الملک (نسخه ۷۲۵ کتابخانه حالت افندی، مورخ ۹۶۵ ق) است که تصویر دو صفحه پایانی آن را می‌بینیم (تصویر ۱۴). قرینه نخست بر معاصر بودن ابری حاشیه با متن اینک این نسخه به نستعلیق ممتاز «محمود النیشابوری» است که پیشتر نیز به دو اثرش بر روی کاغذ ابری، یعنی دیباجه قطب‌الدین محمد قصّه خوان و همچنین قطعه خطّ مجموعه ناصر خلیلی، اشاره کردیم و لذا درباره کاربرد ابری توسط وی مطمئنیم.

قرینه دوم آنکه تذهیب و جدول‌کشی نسخه توسط «روزبهان شیرازی» انجام شده است. اگر تصویر چاپ شده بتواند جزئیات نسخه را نمایش دهد، می‌توان در زیر انجامه، درست روی جدولی که میانه متن و حاشیه ترسیم شده، رقم وی «روزبهان» را دید. در جای دیگر نسخه (گ ۲) نیز رقم وی با عبارت «عمل روزبهان شیرازی» دیده می‌شود.

این شخص به احتمال بسیار «روزبهان بن نعیم‌الدین شیرازی» خوشنویس و مذهب سده دهم است که مدتی طولانی

Or. a. 1 در کتابخانه بودلیان اکسفورد) در دوره شاه جهان (حک ۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق) پادشاه تیموری هند فراهم آمده و تقریباً همه قطعات خطّ مندرج در آن دارای رقم‌های گوناگون «میرعلی هروی» است. قطعه مورد نظر نیز به نام «میرعلی الکاتب» رقم خورده است. این قطعه نیز نخودی-پیلگون است (تصویر ۹).

گفتنی اینکه سه قطعه خطّ دیگر در همان مرقع با رقم‌های «فقیر علی غفر ذنوبه»، «الفقیر میرعلی الکاتب» و «مشقه العبد علی غفر الله ذنوبه» موجود است که هر سه بر روی کاغذ ابری با همان طرح نوشته شده است، اما از انتشار تصویرشان چشم‌پوشی شد.

نمونه بی‌تاریخ دیگر قطعه خطّی از احمد الحسینی (به نشانی Ms.4.322 در دانشگاه استراسبورگ) است (تصویر ۱۰). کاتب این قطعه به احتمال بسیار سیّد احمد حسینی مشهدی (د ۹۸۶ ق) از سرآمدان شاگردان میرعلی هروی است (بیانی، ۱۳۶۳: ۴۴-۵۴). ابری این قطعه نیز از گونه نخودی-پیلگون است، جز آنکه بخش پیلگون آن محوتر از نمونه‌های پیشین است. قطعات دیگری از سیّد احمد در همین مرقع استراسبورگ هست، اما هیچ کدام روی کاغذ ابری نیست.

نمونه دیگر قطعه خطّی از محمود بن اسحق شهابی در یک مرقع (به نشانی Persan 129 کتابخانه ملی فرانسه) است (تصویر ۱۱). بیانی از وی در ذیل محمود سیاوشانی یاد کرده و نوشته که از وی آثاری تا ۹۹۳ ق نیز دیده است (بیانی، ۱۳۶۳: ۸۷۶-۸۸۰). بنابراین ابری این قطعه نیز احتمالاً از نیمه دوم سده دهم است. جز اینها دو قطعه خطّ بی‌تاریخ در یک مرقع (به نشانی SUP-PL PERSAN 1171 در کتابخانه ملی پاریس) موجود است که یکی «مشق الفقیر مالک» (گ ۱۱ار) و دیگری «فقیر حقیر فرید» (گ ۳۶) رقم دارد. نخستین قطعه (تصویر ۱۲؛ چاپ شده در نصیرباغبان، ۱۳۹۴: ۲۱) قاعدتاً باید از مالک دیلمی (۹۲۴-۹۶۹ ق؛ بیانی، ۱۳۶۳: ۵۹۸-۶۰۹) باشد، که پیشتر به قطعه‌ای از وی مورخ ۹۶۲ ق در تملک اوگور درمان اشاره کردیم. بنابراین

۱. جز نسخه‌هایی که بیانی از آثار وی برشمرده باید به یک نسخه ممتاز چهل حدیث جامی (نسخه ۱۷۱ مجموعه اهدایی فیروز به کتابخانه مجلس، بی تا [سده دهم]) و نیز یک قطعه خطّ بی‌تاریخ در یک مرقع (شماره ۳۶ کتابخانه دانشگاه میشیگان) و چند قطعه در مرقع دیگر (به نشانی SUPPL PERSAN 1171 در کتابخانه ملی پاریس) اشاره کرد. گفتنی اینکه نسخه‌ای از بوستان سعدی (نسخه ۳۸۱ فارسی کتابخانه دولتی بایرن، مورخ ۹۶۶ ق در رزه باخرز) موجود است که رقم «احمد الحسینی المشهدی» دارد اما نام مخدوش است و شیوه خط نیز با آثار سیّد احمد شباهت چندانی ندارد.

- سمسار، محمدحسن (۱۳۷۴). «ابری». دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۵۷۰-۵۷۴.
- سه‌کی، یوشیفوسا (۱۳۹۰). «دیباجه قطب‌الدین محمد قصبه‌خوان بر مرقع شاه طهماسب». نامه بهارستان، پیاپی ۱۸ و ۱۹: ۴۱-۵۶.
- صادقی کتابدار (۱۳۲۷). تذکره مجمع‌الخواص. ترجمه عبدالرسول خیامپور. تبریز: چاپخانه اختر شمال.
- صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۰). نسخه‌شناخت. تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب.
- صفوت، نبیل ف. (۱۳۷۹). هنر قلم. ترجمه پیام بهتاش. تهران: نشر کارنگ.
- فرّخی سیستانی، علی‌بن جولوغ (۱۳۸۰). دیوان حکیم فرّخی سیستانی. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: زوار.
- فضائلی، حبیب‌الله (۱۳۵۰). اطلس خط. [اصفهان]: نشریه انجمن آثار ملی اصفهان.
- قطب‌الدین محمد قصبه‌خوان (۱۳۹۴). دیباجه قطب‌الدین محمد قصبه‌خوان در مرقع شاه طهماسب (چاپ عکسی نسخه ۶۰۲۲ کتابخانه ملک، مورخ ۹۶۴ق به خط شاه محمود نیشابوری). مشهد: آستان قدس رضوی.
- قمی، قاضی احمد (۱۳۵۹). گلستان هنر. به کوشش احمد سهیلی خوانساری. تهران: کتابخانه منوچهری.
- مایل هروی، نجیب [مصحح و مؤلف] (۱۳۷۲). کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- میدانی، ابوسعید سعیدبن احمد (۱۳۷۷). الاسمی فی الاسماء. به کوشش جعفرعلی امیدی نجف‌آبادی. تهران: اسوه.
- ناجی نصرآبادی، محسن (۱۳۸۰). «مکتوب محمدیحیی قزوینی به میرمحمدطاهر (واضع کاغذ ابری)». نامه بهارستان، س ۲، ش ۲، پیاپی ۴ (پاییز-زمستان): ۳۱-۳۴.
- نصیرباغبان، حسین (۱۳۹۴). مرقع افشار (آثاری از نگارگران و خوشنویسان سده دهم و یازدهم مهی). تهران: ارمغان تاریخ.



(دست‌کم میان ۹۲۰-۹۶۷ق) به کار کتاب‌آرایی مشغول بوده و اتفاقاً از معدود مذهب‌انگیزان است که تذهیب‌های خود را رقم می‌زده است (درباره او و شماری از آثار و رقم‌هایش نک. معتقدی، ۱۳۹۲).

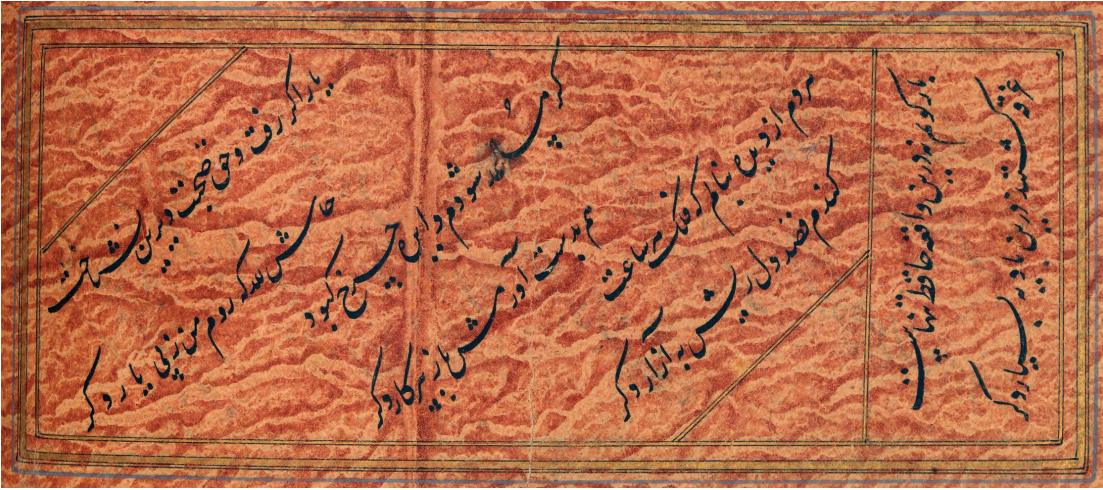
چون در نمونه‌ای که تصویرش را آوردیم رقم روزبهران بر روی جدول ثبت شده و در نسخه‌های متن و حاشیه شده همیشه جدول پس از اتصال حواشی به متن ترسیم می‌شد، روشن است که کاغذ ابری در حواشی این نسخه نیز کمابیش معاصر کتابت آن (۹۶۵ق) بوده و از آثار نیمه دوم سده دهم است. چنانکه دیده می‌شود زمینه نسخه کرم‌رنگ است و رنگ تیره‌ای که در آن به کار رفته دو طیف روشن و تیره از رنگ آبی است. جالب توجه اینکه در این نمونه نیز چکیده‌هایی از رنگی آجری مانند به کار رفته که همانند نمونه بوستان سعدی کتابخانه نورعثمانیه از نسخه‌های عثمانی است.

آنچه یاد شد شامل اقدام نمونه‌های شناخته‌شده ابری است که عمدتاً در نیمه سده دهم هجری پدید آمده‌اند. در همین نمونه‌ها می‌توان یکی-دو گونه طرح و رنگ ابری‌های آن دوره را تشخیص داد. قاعدتاً با دسترسی و بررسی نسخه‌های دیگر آگاهی‌های ما درباره تاریخچه ابری افزایش خواهد یافت، اما لازم بود که موارد شناخته‌شده یکجا گرد بیایند تا دیگر موارد در آینده بر آن افزوده شود.

منابع

- بیانی، مهدی (۱۳۶۳). احوال و آثار خوشنویسان. تهران: علمی.
- پورتر، ایو (۱۳۸۰). «کاغذ ابری و ابری‌سازی». ترجمه جمیله دبیری. نامه بهارستان، س ۲، ش ۱، پیاپی ۳ (بهار-تابستان): ۶۷-۱۵۳.
- _____ (۱۳۸۹). آداب و فنون نقاشی و کتاب‌آرایی. ترجمه زینب رجیبی. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۲). «گنجور و برنامه او». هنر و مردم، س ۱۲، پیاپی ۱۳۳: ۵۳-۵۸.
- _____ (۱۳۵۶). «رنگ‌سازی در کاغذ و رنگ‌زدایی از آن». هنر و مردم، س ۱۶، پیاپی ۱۸۱: ۱۶-۳۵.
- دروش، فرانسوا (۱۳۹۵). دستنامه نسخه‌شناسی نسخه‌های به خط عربی. ترجمه سید محمدحسین مرعشی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

تصویر ۱



تصویر ۲



تصویر ۳





تصویر ۳



تصویر ۵



تصویر ۶

تصویر ۷



تصویر ۸



تصویر ۹



تصویر ۱۰



تصویر ۱۱





۱۲
تصویر



۱۳
تصویر

